

فعالیت‌های انسان‌دوستانه جامعه بهائی در شیراز و اتهامات دولت ایران بر علیه آن

فوریه سال ۲۰۰۸ میلادی

۵۳ نفر بهائی که در ماه می ۲۰۰۶ دستگیر شدند و اخیراً به جرم "تبلیغ علیه نظام" متهم گشتند، درحقیقت داوطلبانه به اجرای چندین طرح خدمات اجتماعی مبادرت ورزیدند که هدف آن کمک به کودکان تهی دست در شیراز و حومه آن بود.

گزارشات رسیده از ایران نشان می‌دهد که اولین طرح را در واقع تعداد معدودی از جوانان بهائی در سال ۲۰۰۴ شروع کردند و هدفشان این بود که به نوعی به کودکان و نوجوانان خدمت کنند.

اگرچه این ایده از طرف آن گروه بهائی ارائه شد، اما درحقیقت یکی از دوستان مسلمان آنان بود که پیشنهاد کرد طرح مذکور را برای کمک به کودکان دبستانی در کتسبس، که یکی از محله‌های فقیر اطراف شیراز است، بنیان کنند. آن طرح بطور اخص متوجه به این هدف بود که با آموزش کودکان به آنان کمک کنند تا خود را برای امتحانات پایان دوره تحصیلی آماده نمایند.

معلمین، که تماماً بهائی نبودند، هر جمعه از ساعت ۸ صبح تا ظهر به دانش‌آموزان کمک می‌کردند. در مراحل نخستین اجرای طرح، آموزگاران قالیچه‌ای در مقابل خانه‌های والدین پهن کرده به آموزش می‌پرداختند تا اعضای خانواده شاهد باشند که تنها نیت آنها خدمت به کودکان است و در نتیجه، احساس نگرانی نکنند. مادران در نزدیکی آنان می‌ایستادند و درسها و تمرین‌هایی را که آموزگاران ارائه می‌دادند مشاهده می‌کردند و به روشهای تدریس آنان اظهار علاقه می‌نمودند.

در ابتدا آموزگاران با بیست، سپس شصت و بالاخره با صدویست دانش‌آموز کار می‌کردند. در پایان دوره تحصیلی، والدین درخواست کردند که در صورت امکان این فعالیت ادامه داشته باشد. تصمیم گروه بر آن شد که دایره خدمات خود را وسعت دهد و به فراگیری و اکتساب مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی کودکان کمک کند تا خودشان بتوانند عامل پیشرفت و ترقی در زندگی خود و جامعه گردند.

با فرا رسیدن تابستان سال ۲۰۰۵، تعداد کودکانی که در این برنامه شرکت داشتند به چنان حد قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت که مجبور شدند آنان را به دوگروه تقسیم کنند، که هرگروه حدود صد شرکت کننده و سی نفر آموزگار را شامل می‌شد.

هم‌زمان با این فعالیت‌ها، از آنجا که یکی از دوستان مسلمان بهائیان اظهار تمایل نمود که در خدمات اجتماعی شرکت کند، طرح مشابهی در منطقه دیگری بنام سهل‌آباد آغاز شد، جایی که کودکان و خانواده‌هایشان علاقه وافر به شرکت در چنین فعالیتی را ابراز داشته بودند. آن طرح صد کودک را شامل می‌شد، که آموزگاران آن مثل قبل برخی بهائی بودند و برخی هم نبودند، و به مدت یکسال ادامه یافت تا زمانی که بهائیان در ماه می ۲۰۰۶ در شیراز دستگیر شدند.

هم‌زمان با طرح سهل‌آباد، آن گروه فعالیت ابتکاری دیگری را آغاز کرد که در آن چهارده آموزگار به صد کودک و نوجوان دریکی از مراکز آموزشی در شیراز کمک کردند. این طرح در محدوده برنامه «حمایت از حقوق کودک» در شیراز عمل می‌کرد که در وزارت کشور ثبت شده بود.

علاوه بر این فعالیت‌ها، آن گروه برنامه‌هائی هفتگی شامل کلاسهای هنری برای بیماران جوان سرطانی در بیمارستان کودکان و نوجوانان شیراز ترتیب می‌داد. این برنامه که مورد استقبال گرم و پرشور شوق رئیس بیمارستان قرار گرفته بود، به مدت یکسال فعال بود تا اینکه به علت دستگیری بهائیان شیراز متوقف شد. در خلال این مدت، اعضاء گروه بطور منظم و مستمر به پرورشگاه‌ها و یتیم‌خانه‌های و مؤسسات مختلف رفته از کودکانی که از لحاظ جسمی و فکری با مشکلات عقب‌افتادگی روبرو بودند عیادت می‌کردند.

جهت آمادگی برای اجرای این طرح‌ها، آموزگاران به تحصیل و فراگیری مواد درسی مربوط به فن آموزش و پرورش کودک، آموزش هنر و کارهای دستی، کمکهای اولیه و رشد اخلاقی نوجوانان پرداختند، که در میان اینها یکی کتابچه «نسائم تائید» بود. [برای مراجعه به نمونه‌ای از درس‌های «نسائم تائید» به این پیوند مراجعه فرمائید.](#)

«نسائم تائید» کتابچه‌ای است برای تقویت مهارت‌های کلامی و قدرت بیان نوجوانان ۱۱ تا ۱۲ ساله. این کتابچه که در کشور زامبیا (در افریقا) تهیه شده، بطور منظم زمینه را برای خواندن متون ساده مهیا میکند، سپس به تمرین قدرت تکلم می‌پردازد. متونی که خوانده می‌شود حاوی مفاهیم اخلاقی است که از تعالیم بهائی الهام گرفته، اما نمی‌توان آنرا مطالبی مذهبی بشمار آورد. برای مثال، در این نشریه هیچ اشاره‌ای به آئین بهائی نشده

است. در واقع، بسیاری از کشورهای اطراف جهان از آن برای ارتقاء سطح سواد نوجوانان استفاده کرده‌اند. از آن کتاب برای فعالیتهای آموزشی در جوامع بهائی نیز استفاده شده است.

طرح‌های مذکور هرگز به تبلیغ آئین بهائی مبادرت نوزدید، و گروه‌هایی که در آن شرکت کردند برخلاف ادعای مقامات رسمی دولت ایران در رسانه‌ها، هرگز قدمی به جهت تبلیغ علیه نظام برداشتند.

طبق گزارش یکی از کارگزاران بهائی طرح مذکور، در سال ۲۰۰۵ گروهی که مسئولیت آموزشی را به عهده داشت طی نامه‌ای به شورای اسلامی شهر شیراز جزئیات فعالیت خود را معرفی، و درخواست نمود که برای ادامه طرح مجوز صادر شود. درخواست آنان پس از بررسی کمیسیون فرهنگی به تصویب رسید و نامه مجوز برای گروه صادر گردید.

مطالبی که برای تصویب ارائه شد جزئیات مواد درسی طرح آموزشی را در برداشت و، هیچکس موضوع دین یا مذهب را مطرح ننمود. هیچیک از کودکان یا والدین آنان هرگز سخنی در مورد سوابق مذهبی و دینی آموزگاران به میان نیاوردند و ابراز نگرانی ننمودند.

علاوه بر این، قبل از دستگیری ۵۳ بهائی در ماه می ۲۰۰۶، هیچکس تمایزی بین بهائیان و مسلمانانی که در طرح‌های خدمات اجتماعی فعال بودند قائل نشده بود؛ درحقیقت، از آنجا که مسأله مذهب مطرح نبود، طبق گزارشات رسیده، برخی از مسلمانان از اینکه همکاران آنان مسلمان نبودند، اطلاع نداشتند.

در آگوست سال ۲۰۰۷، از طرف دادگاه محلی به ۵۳ نفر اطلاع داده شد که آنان به جرم «اقدام علیه امنیت کشور» محکوم شده‌اند. سپس در نوامبر سال ۲۰۰۷، از طریق تلفن به سه نفر از آنان گفته شد که برای دریافت اموالی که در زمان دستگیری ماه می ۲۰۰۶ از آنان توقیف شده بود به وزارت اطلاعات شیراز مراجعه کنند. با این حال، به جای دریافت متعلقاتشان، فوراً زندانی شدند.

بنا به گزارشی، پی درخواست سازمان عفو بین‌الملل مبنی بر اقدامی سریع و مبرم که در تاریخ ۲۵ ژانویه ۲۰۰۸ صادر شد، چنین آمده: «هنگامیکه آن سه نفر به منزل مراجعت نمودند، خانواده‌هایشان، که آنان را تا محل زندان همراهی کرده بودند، پاسخ‌های ضد و نقیضی از مقامات اطلاعاتی دریافت کردند. در ابتدا، مقامات دولتی سعی کردند ادعا کنند که آن سه نفر اصلاً وارد ساختمان نشده‌اند، با اینکه خانواده‌هایشان دیده بودند که

آنها وارد ساختمان شده‌اند. بالأخره به آنان اطلاع داده شد که آن سه نفر در دفتر وزارت اطلاعات در شیراز بازداشت شده‌اند.»

در تاریخ ۲۹ ژانویه ۲۰۰۸، طبق منابع خبری بین‌المللی، سخنگوی قوه قضائیه ایران به شرح و تفسیر اتهامات علیه آن سه نفر پرداخت. بنا به گزارش سرویس خبری فرانسه، سخنگوی قوه قضائیه، علیرضا جمشیدی، اظهارداشت: «سه فرد بهائی به اتهام تبلیغ علیه نظام به چهارسال زندان محکوم شده‌اند.»

آقای جمشیدی همچنین به خبرنگاران اظهار داشت که ۵۱ نفر دیگر به یکسال زندان تعلیقی محکوم شدند، مشروط بر اینکه در کلاسهای سازمان تبلیغات اسلامی کشور حضور یابند.

آژانس خبری فرانسه به نقل قول دیگری از یک مقام ناشناس در قوه قضائیه بیان می‌کند که بهائیان «تحت بهانه کمک به تهی‌دستان در شهر شیراز اقدام به تبلیغ مرام خود نمودند.»

دادگاه جزئیات مربوط به کلاسهای سازمان تبلیغات اسلامی را که به شرط حضور در آن، ۵۰ نفر بهائی به یکسال زندان تعلیقی محکوم شده‌اند، اعلام نکرده است. اما وکلای با تجربه اشاره کرده‌اند که چنین امری تابحال سابقه نداشته است. این وکلا توصیه کرده‌اند که جوانان محکوم در این کلاسها حاضر نشوند، به دلیل اینکه هدف از این کلاسها اعمال فشار بر آنان است تا دین‌شان را انکار کنند. این موضوع بطور دقیق‌تری مورد بررسی و پژوهش قرار خواهد گرفت، اما مطمئناً هیچ فرد بهائی آگاهانه به چنین جریانی که منجر به انکار اعتقادش شود تن در نخواهد داد.

علاوه بر این، اتهام دادگاه مبنی بر اینکه بهائیان دستگیر شده در شیراز مبادرت به تبلیغ غیرمستقیم نمودند، ادعائی فریب‌دهنده است. در واقع، چنین اتهامی می‌تواند به هر بهائی که بر اساس مفاهیم عالیۀ مندرج در تعالیم بهائی عمل کند، نسبت داده شود. با وجود این، حتی اگر بهائیان بطور مستقیم به تبلیغ آئینشان بپردازند، این امر نمی‌تواند دلیل موجهی برای زندانی کردن آنان به حساب آید. ماده ۱۸ منشور جهانی حقوق بشر - میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی - که در کشورهای امضاءکننده آن، از جمله ایران، حکم و قدرت قانون را در بر دارد، این را تصریح میکند «که هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.»



جمعی از معلمین و کودکان در کلاسهای آموزشی سهل آباد، محله‌ای خارج از شیراز، ایران.
این کلاسهای آموزشی در سال ۲۰۰۶ برابر با ۱۳۸۵ به دستور دولت تعطیل شد.



کلاسهای آموزشی در سهل آباد، محله‌ای خارج از شیراز، ایران



کلاسهای آموزشی در کتسبس، محله‌ای خارج از شیراز، ایران



کلاسهای آموزشی در سهل آباد، محله‌ای خارج از شیراز، ایران